



Investigating the monetary penalty in the penal code of Afghanistan

Abstract

Cash punishment is one of the main punishments in Afghanistan's criminal law. Monetary punishment, like other criminal reactions, has always been investigated by criminal law thinkers and its advantages and disadvantages have been identified. According to the advantages of monetary penalty, the Afghan legislator in Codejaza (2016) stated the examples and cases of monetary penalty and the rules governing it in detail, in addition to numerous articles, and tried his best to eliminate the shortcomings of monetary penalty by establishing principles and rules. Eliminate or minimize. Determining a monetary penalty with the national currency, reconsidering the amount of monetary penalty, respecting the principle of personal responsibility for the penalty, methods of obtaining monetary penalty, increasing the monetary penalty according to the condition of the convicted person, etc. are among the most important solutions in Penal Code has been provided by the legislator to eliminate the disadvantages and challenges of monetary penalty.

Keywords: Fine, disadvantages, privileges, governing rules, examples, and solutions.



بررسی جزای نقدی در کود جزای افغانستان

عبدالکریم اسکندری*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲ / ۸ / ۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲ / ۹ / ۱۴

چکیده

مجازات نقدی از جزاهای اصلی در قانون جزای افغانستان است. مجازات نقدی همانند سایر واکنش‌های کیفی همواره از سوی اندیشمندان حقوق جزا بررسی و معایب و امتیازات آن مورد شناسایی قرار گرفته است. با توجه به مزیت‌های جزای نقدی قانونگذار افغانستان در کود جزا (۱۳۹۶) مصادیق و موارد جزای نقدی و قواعد حاکم بر آن را در ضمن مواد متعدد به طور مفصل بیان و حداکثر تلاش نموده که با وضع اصول و قواعد، کاستی‌های جزای نقدی را از بین برده یا به حداقل برساند. تعیین جزای نقدی با پول ملی، تجدیدنظر در مورد میزان تعیین جزای نقدی، رعایت اصل شخصی بودن مسولیت جزای، روش‌های حصول جزای نقدی، افزایش جزای نقدی با توجه به وضعیت محکوم علیه و... از مهم‌ترین راهکارهای است که در کود جزا از سوی مقنن در راستای زدودن معایب و چالش‌های جزای نقدی پیش‌بینی شده است.

واژگان کلیدی: جزای نقدی، معایب، امتیازات، قواعد حاکم، مصادیق و راهکارها.

* معاون علمی دانشگاه خاتم النبیین (ص)، دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه تهران.

جزای نقدی مجازاتی است که مجرمان در راستای نقض بسیاری از قوانین و مقررات اجتماعی و ارتکاب جرائمی چون جرائم مالی، موظف به پرداخت آن به خزانه دولت است. این جزا به عنوان مجازات بسیاری از جرایم و حتی در نقش مجازات جایگزین بسیار مهم است، زیرا از یک سو با اجرای آن نهایتاً دولت منتفع می‌شود و از سوی دیگر به عنوان ضمانت اجرای برهم زدن نظم عمومی ابزاری است در دست مقنن که نقش کیفری خود را در میان سایر مجازات‌ها ایفا می‌کند.

لازم به ذکر است که ماهیت جزای نقدی با جریمه نقدی، جبران خسارت مالی، دیه، مصادره و ضبط اموال کاملاً تفاوت دارد. جزای نقدی با معایب چون عدم رعایت اصول شخصی بودن مسولیت جزای، عدم بازدارندگی، عدم اثرگذاری تساوی، تطبیق نشدن و... مواجه است؛ اما امتیازات جزای نقدی (مانند انعطاف‌پذیری جزای نقدی، جلوگیری از آسیب‌های حبس و عدم تحمیل هزینه بر دولت و جامعه)، قانونگذاران را وادار نموده تا این نهاد حقوقی را به عنوان واکنش جزایی و در برابر بسیاری از رفتارهای مجرمانه به عنوان مجازات اصلی پیش‌بینی نماید. قانونگذار افغانستان نیز با توجه به همین واقعیت، جزای نقدی را در هر دوره قانونگذاری مدنظر قرار داده و جزای نقدی را در کنار حبس و اعدام به عنوان مجازات اصلی مقرر نموده است.

تحقیق حاضر در صدد پاسخ به این سؤال است که موقعیت جزای نقدی در حقوق جزای افغانستان چگونه پیش‌بینی شده است؟ و قانونگذار افغانستان چه قواعد و اصولی را برای تطبیق مجازات نقدی و رفع کاستی‌های آن در کود جزا در نظر گرفته است؟ فرض بر این است که مجازات نقدی در کود جزای افغانستان به عنوان جزای اصلی مقرر شده و قانونگذار راهکارهای جهت اجرایی شدن و رفع کاستی‌های آن پیش‌بینی کرده است. بررسی این موضوع ایجاب می‌کند در ابتدا مفهوم جزای نقدی و مفاهیم مشابه آن و سپس قواعد و اصول حاکم بر جزای نقدی از سوی مقنن مورد ارزیابی قرار گیرد و سرانجام به راهکارهای رفع معایب جزای نقدی با توجه مواد قانونی پرداخته شود.

الف) بررسی مفاهیم کلیدی تحقیق

در این بخش ضرورت دارد که در آغاز جزای نقدی تعریف و رابطه آن با مفاهیم مشابه مشخص گردد. به همین منظور در آغاز جزای نقدی در لغت و اصطلاح تعریف و سپس مفاهیم مشابه با جزای نقدی بررسی می‌گردد.



۱. تعریف جزای نقدی

جزای نقدی از دو واژه جزا و نقدی ترکیب یافته است؛ «نقد» در لغت به معنی: «آنچه در حال داده می‌شود، خلاف نسیه، مال حاضر، پول حاضر.» (دهخدا، ۱۳۸۴، ۲۹) یا «آن چیزی است که به پول نقد و رایج پرداخت شود.» (معین، ۱۳۹۵، ۳۴) بعضی آن را به معنی: «پول یا بهاء آن چه فی الحال داده می‌شود.» (عمید، ۱۳۶۷، ۵۰) به کار برده‌اند.

در اصطلاح علم حقوق؛ جزای نقدی به میزان مشخص پولی اطلاق می‌گردد که در قبال جرم ارتکاب یافته از سوی محکمه تعیین شده و شخص مجرم مکلف به پرداخت این میزان پول است. یکی از محققان در تعریف جزای نقدی گفته است: جزای نقدی به الزام محکوم علیه به پرداخت مبلغ معینی از پول نقد به خزانه دولت گفته می‌شود که مقدار آن را محکمه تعیین می‌کند. (حسنی، بی تا، ۷۵۸) دیگری گفته است جزای نقدی، عبارت است از الزام محکوم علیه به استناد حکم محکومیت به پرداختن مبلغی وجه نقد به نفع دولت. (اردبیلی، ۱۳۹۷، ۹۰) در ماده ۱۳۹ کودجزا، جزای نقدی این گونه تعریف شده است: «جزای نقدی عبارت است از مکلف ساختن محکوم علیه به پرداخت مبلغ محکوم بها به خزانه دولت.»

باتوجه به تعریف جزای نقدی یادآوری نکاتی را لازم می‌دانیم:

نکته اول: تعریف اصطلاحی جزای نقدی تا حدودی از معنی لغوی «خلاف نسیه» دور افتاده است. بدین صورت که «نقدی» در مقابل «نسیه» مد نظر نیست، بلکه جزای نقدی یکی از مجازات‌های مالی است، که مرتکب عمل مجرمانه (فعل یا ترک فعل) ملزم است آن را به خزانه دولت واریز نماید.

نکته دوم: در قانون برخی از کشورها قانون‌گذار همیشه مبلغ رایج را مورد حکم قرار نمی‌دهد، بلکه در موارد معدودی طلا را مورد حکم قرار می‌دهد. این موضوع شاید به جهت ارزش اعتباری پول و ارزش ذاتی طلا باشد. (ماده ۹ قانون مجازات اسلامی ایران، ۱۳۷۱)

اما در کود جزای افغانستان در بخش جزای نقدی هیچ جایگزینی برای پول نقد افغانی بیان نشده است، حتی به صراحت بیان شده که فقط پول افغانی می‌تواند برای مجازات نقدی استفاده شود.

نکته سوم: کلماتی چون جریمه نقدی، غرامت جزایی، محکومیت نقدی، غرامت، مجازات نقدی، جزای نقدی، جریمه، غرامت نقدی و جریمه جزایی، همگی معادل «جزای نقدی»



می‌باشند. در قانون افغانستان معمولاً تعبیر به جزای نقدی می‌کنند و در موارد اندک از جزای نقدی به جریمه نقدی یاد می‌گردد.

۲. تفاوت جزای نقدی با جبران خسارت مدنی

در گذشته تمییز و تشخیص جزای نقدی و خسارت مدنی مشکل و با هم مشتبه می‌شدند. «گارو» حقوقدان مشهور فرانسوی می‌نویسد: «شاید علت اشتباه این باشد که جزای نقدی در خط مرزی بین مجازات و خسارت قرار گرفته است.» (گارو، ۱۳۴۴، ۲۹). به عبارت دیگر هم جبران خسارت مدنی و هم جزای نقدی از جمله التزامات مالی و موضوع هر دو مال است و شخص محکوم‌علیه باید مال معین مورد حکم محکمه را پرداخت نماید اما جزای نقدی با جبران خسارت تفاوت‌های جدی و اساسی دارد که در ذیل بیان می‌گردد.

۲-۱. تفاوت در معیار

خسارت مدنی؛ مالی است که باید از طرف وارد کننده ضرر به متضرر داده شود. جزای نقدی نوعی از مجازات است، در حالی که جبران خسارت مجازات نیست. جزایی نقدی چون مجازات است، همهٔ ویژگی‌ها و خصوصیات آن را دارد. از جمله تابع اصل قانونی بودن جرایم است و باید قانون نوع و میزان دقیق حداقل و حداکثر آن را برای رفتارهای خاصی پیش‌بینی کند. هنگامی که قانون، جزای نقدی را به عنوان مجازات جرمی تعیین کرد، همانند دیگر جزاها، مشروط به حکم و فیصله قاضی است. (اردبیلی، ۱۳۹۷، ۹۷) قاضی نمی‌تواند کمتر یا بیشتر از میزانی که قانون مشخص کرده است، شخصی را محکوم به جزای نقدی کند. قاضی در صورتی می‌تواند شخصی را به جزای نقدی محکوم کند که ارکان جرم ارتكابی تحقق یافته و عوامل مانع مسؤلیت جزای منتفی باشد. هم‌چنین در صورت فوت محکوم‌علیه یا شمول مرور زمان و یا عفو عام ساقط می‌شود و مشمول تعلیق مجازات می‌شود و محکومیت آن سابقه جرمی به حساب می‌آید و می‌توان از شخص محکوم به جزای نقدی اعاده حیثیت کرد و در هنگام تعدد جرایم که برای غرض واحد ارتكاب یافته‌است و قابل تجزیه نباشد. (سیغانی، ۱۳۹۳، ۶۳) جزاهای نقدی در همدیگر ادغام می‌شود و تنها جزای نقدی جرم شدید یعنی جزای نقدی حداکثر بر مجرم تحمیل می‌شود، نه همه جزاهای نقدی. جزای نقدی مشروط بر وارد کردن ضرر بر مجنی‌علیه نیست. (ملک زاده، ۱۳۸۹، ۲۳۰) در حالی که معیار جبران خسارت مالی میزان ضرر وارد شده بر مجنی‌علیه است. جبران خسارت تابع ضرر است. در صورت وارد کردن ضرر، شخص محکوم به پرداخت آن می‌شود، هر چند نص صریح در قانون مدنی در آن مورد وجود نداشته‌باشد.



۲-۲. تفاوت در تعیین و عدم تعیین توسط قانونگذار

میزان جبران خسارت مدنی در قانون تعیین نمی‌گردد بلکه میزان آن را در صورت لزوم کارشناس براساس ضرر وارده، تعیین می‌کند، نه قانون. قانون مدنی در کل برای هر فعلی که موجب ضرر مالی شود، حکم به جبران خسارت می‌کند، بدون آنکه مصادیق آن فعل موجب ضرر را مشخص کند. البته احصا چنین افعالی ممکن نیست. (کامل، ۲۰۰۲، ۶۶۶) قانون مدنی حداقل و حداکثر مقدار جبران خسارت را مشخص نمی‌کند؛ زیرا تعیین آن متوقف بر ضرری است که تابع شرایط، اوضاع و احوالی خاص هر قضیه است که توسط کارشناس تعیین می‌شود. در حالی که میزان حداقل و حداکثر جزای نقدی توسط قانونگذار در متن قانون تعیین شده و قاضی با توجه به حجم و آثار جرم از میان حداقل و حداکثر میزان پرداخت آن را مشخص می‌سازد.

۲-۳. تفاوت در مسؤل پرداخت

تفاوت دیگر این است که جزای نقدی تنها بر اشخاص دارای مسؤلیت جزایی و شخص مجرم تطبیق می‌شود، نه خانواده یا اقارب او، در حالی که اگر اشخاص فاقد اهلیت به کسی ضرری وارد کند، ولی و سرپرست مسؤلیت داشته و باید جبران خسارت نماید.

۳. تفاوت جزای نقدی با جریمه نقدی

جریمه نقدی به میزان مشخص شده پولی گفته می‌شود که از سوی نهادهای خاص، مشخص و متهم را به پرداخت آن محکوم می‌نماید، این اشخاص قواعد و مقررات پذیرفته شده آن صنف خاص را پذیرفته اند، و به نقض آن نباید بپردازند. به طور مثال رانندگان حق ندارند که مقررات ترافیک را زیر پا نمایند در غیر آن محکوم به پرداخت جریمه نقدی خواهد شد. جزای نقدی با جریمه نقدی با اینکه هر دو از جرایم مالی است ولی تفاوت‌های دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۳. تفاوت در مقام تعیین کننده

جزای نقدی را محکمه تعیین و مرتکب را به پرداخت آن محکوم می‌کند، در حالی که جریمه نقدی (تنبیه مالی) را نهادهای خاص، مشخص و متهم را به پرداخت آن محکوم می‌نماید و این نهادها تنها حق صلاحیت رسیدگی به تخلفات آن گروه خاص را دارد. مانند آنکه سارندوی ترافیک، براساس قانون، تنها، صلاحیت جریمه نقدی نسبت به برخی از تخلفات کسانی را دارد که رانندگی کنند و تخلف او هم مربوط به امور رانندگی باشد. (علامه، ۱۳۹۶، ۸۷)



۲-۳. تفاوت در خاص و عام بودن

جریمه نقدی مربوط به رفتارهای می‌شود که مرتکب عضوی گروه خاصی باشد و سپس قواعد و مقررات پذیرفته‌شده آن گروه خاص را نقض کند. در این صورت در بعضی موارد به جای آنکه به این تخلف انضباطی، محکمه رسیدگی کند، نهادهای خاصی انتظامی به تخلف آن صنف رسیدگی می‌نمایند. (الهام، ۱۳۸۷، ۲۳) مثلاً هنگامی که رانندگان مقررات اختصاصی قوانین ترافیک را که مربوط به امور رانندگی می‌شود، نقض کرد، در بعضی موارد بدون حکم محکمه با جریمه تنبیه مالی سارندوی ترافیک مواجه شود، اما جزای نقدی شامل هر مرتکبی می‌گردد که قوانین جزایی را نقض و در قبال آن رفتار، قانونگذار جزای نقدی تعیین کرده باشد. (اردبیلی، ۱۳۹۷، ۱۰۰)

۳-۳. تفاوت در هدف

جزای نقدی و جریمه نقدی از نظر هدف نیز با هم تفاوت دارند؛ هدف از جریمه نقدی حفظ حیثیت، نظم و انضباط صنف خاص است و در برخی موارد ممکن است در عوض جریمه نقدی، مرتکب نقض قانون از گروه اخراج شود یا در راستای صلاحیت‌های صنف، امکان دارد برای او محدودیت‌های ایجاد شود، اما هدف از جزای نقدی، همان اهداف عمومی مجازات‌هاست. (اردبیلی، ۱۳۹۷، ۳۱)

ب) قواعد کلی مربوط به جزای نقدی در کود جزا

جزای نقدی همانند هر جزا و عقوبت دگر از قدیم با انتقادات متعددی مواجه بوده و از جمله ایراداتی که مطرح می‌کنند، مغایرت جزای نقدی با اصل تساوی مجازات‌ها، اصل شخصی بودن مسولیت جزایی، اصل بازدارندگی، متزلزل بودن پول در اثر نوسانات ارزی و عدم حصول آن است؛ اما با وجود انتقادات و کاستی‌های که در مورد جزای نقدی ذکر گردیده، ولی دو عامل باعث شده‌است که امروزه قوانین جزایی کشورها از این رویکرد عدول کرده و قلمرو و موارد جزای نقدی را گسترش دهند. نخست: حبس‌های کوتاه مدت به جای آن‌که جنبه مثبت داشته باشد، جنبه تخریبی دارد، به دلیل آن که این نوع حبس‌ها فاقد برنامه‌های اصلاحی و تربیتی است و محکوم‌علیه به خاطر هم‌نشینی با مجرمان، تبدیل به مجرمان خطرناک خواهد شد. کشورها برای جلوگیری از این عارضه سوء، جزای نقدی یا جزاهای بدیل حبس را جایگزین حبس‌های کوتاه مدت کرده‌اند. پس مزیت جزای نقدی سیاست گذاران کیفری را امروزه به این سو سوق داده‌اند، که می‌توان جزای نقدی را به جای حبس‌های کوتاه مدت نیز قرار داد، زیرا این حبس‌ها نه تنها هدف مجازات را که همان اصلاح مجرمان



است، تأمین نمی‌کنند بلکه اقامت کوتاه آنان در زندان و اختلاط با مجرمان حرفه‌یی، سبب فساد بیشتر ایشان می‌گردد.

دوم: عامل دوم افزایش اهمیت مال در جوامع امروزی است؛ امروزه افراد برای مال اهمیت بسیاری قایل است و مال را در تثبیت و جایگاه اجتماعی شان مهم تلقی می‌کند. (حسنی، بی تا، ۱۲۲) باید توجه داشت که در جوامع صنعتی و مادی که هر روز بر دامنه ای مادیات آن افزوده می‌شود، مال و سرمایه اهمیت زیادی دارد بنابراین در چنین جوامعی، می‌توان از مجازات مالی به عنوان یک مجازات مناسب استفاده کرد، از سوی دیگر مجازات مالی، مجازاتی انعطاف‌پذیر است که قابل تطبیق با جرایم می‌باشد و قاضی می‌تواند با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال حاکم، میزان مناسبی را تعیین کند و حتی می‌توان از آن عدول کرد و خطاهای قضایی را جبران نمود. (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ۲۹۳)

در راستای همین سیاست جنایی کود جزای افغانستان نیز، از سیاست جزایی حبس محوری قانون جزای سابق، دست برداشته و برای بعضی از انواع جرایم، بیشتر جزای نقدی را پیش‌بینی کرده‌است. مانند تمویل تروریسم، جعل پول، تزویر اسناد، ارتشا، اختلاس، سرقت و... پیش‌بینی شده است. در این بخش قواعد کلی مربوط به جزای نقدی از قبیل نوعیت جزای نقدی، قلمرو، شرایط اجرا، تعلیق و انواع آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. جزای نقدی به عنوان مجازات اصلی

کود جزای افغانستان، جزاها را از زاویه‌های مختلف، به انواع متعددی تقسیم کرده‌است. یکی از طبقه‌بندی‌های مجازات به اعتبار ارتباط آن‌ها با یکدیگر است، قانون‌گذار، به صراحت جزاها را از جهت ارتباط و نسبت که با یکدیگر دارند، بر سه نوع جزای اصلی، تبعی و تکمیلی تقسیم نموده‌است. در ماده ۱۳۶، در این باره می‌خوانیم: «جزا، شامل جزاهای اصلی، تبعی و تکمیلی می‌باشد.» در ماده ۱۳۸ مقرر کرده است که: «جزاهای اصلی دارای انواع ذیل می‌باشد: ۱. جزای نقدی؛ ۲. حبس. ۳. اعدام». بنابراین، جزای نقدی از جمله جزاهای مالی است. مجازات‌های مالی به انواع گوناگونی چون جزای نقدی، جبران خسارت؛ مصادره و ضبط اموال تقسیم می‌شود. از میان آن‌ها براساس ماده ۱۳۹) کود جزا، تنها جزای نقدی را از جمله مجازات‌های اصلی به شمار می‌رود، یعنی مجازات که به طور مستقل و به تنهایی در برابر رفتار مجرمانه از سوی قاضی تعیین می‌گردد.

نظر قاضی در هنگام صدور حکم، معطوف به مجرم است، شخصیت و اوضاع و احوال و شرایط ارتکاب جرم، مسئولیت و درجه تقصیر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و متناسب آن محکوم به پرداخت جزای نقدی می‌شود.

۲. گستره جزای نقدی

جزای نقدی مخصوص جرایم خفیف و سبک از نوع جنحه و قباحت است. قاضی نمی‌تواند برای جنایت، این مجازات را پیش‌بینی کند، مگر آن‌که در کود جزا برخلاف آن تصریح شده باشد: «تعیین جزای نقدی در جرم جنایت جواز ندارد، مگر این‌که این قانون صراحتاً به آن حکم نموده باشد.» (کد جزا، ماده ۱۴۳) در ماده ۱۱۰، قانون جزای سال ۱۳۵۵ نیز این حکم پیش‌بینی شده بود: «تعیین جزای نقدی در جنایت جواز ندارد، مگر این‌که قانون صراحتاً به آن حکم نموده باشد.» قانونگذار در این ماده، قلمرو استفاده از جزای نقدی را از سوی قاضی بیان کرده است که برای پیشگیری و کاهش چه نوع جرایمی از آن باید، استفاده کند. براساس این ماده، قلمرو جزای نقدی جرایمی است که از نوع خفیف، یعنی جنحه یا قباحت باشد و تعیین آن را برای جرایم شدید، یعنی جرایم جنایی، ممنوع است، مگر در مواردی که قانونگذار در کد جزا، به صراحت برای این‌گونه جرایم، به جای دیگر مجازات‌ها، جزای نقدی پیش‌بینی کرده باشد. دلیل این حکم آن است که جزای نقدی، مجازات خفیفی است و تناسب با جرایم شدید ندارد. برای ارتکاب جرایم شدید قانونگذار جزای نقدی همراه با حبس یا حبس تنها یا اعدام پیش‌بینی کرده است.

براساس استثنا در این ماده ممکن است قانونگذار برای جرم از نوع جنایت نیز جزای نقدی پیش‌بینی کرده باشد، ولی این استثنا با ماده ۳۱ کد جزا در باره تعریف جنایت سازگاری ندارد. در آن ماده آمده است: «جنایت، جرمی است که جزای آن در این قانون حبس طویل، حبس دوام درجه ۲، حبس دوام درجه ۱ و یا اعدام تعیین شده باشد.» هم‌چنین طفل نیز از محکومیت به جزای نقدی استثنا شده است: «ماده ۹۹: طفل به جزای اعدام، حبس و یا جزای نقدی محکوم نمی‌شود.» البته نماینده قانونی طفل از محکومیت به جزای نقدی مستثنی نیست: «نماینده قانونی طفل را در صورت ارتکاب جنحه به جزای نقدی از پنج هزار تا ده هزار افغانی و در صورت ارتکاب جنایت، به جزای نقدی از ده هزار تا بیست هزار افغانی، محکوم می‌نماید.» (کد جزا (۱۳۹۶) جزا ۲ ماده ۱۰۹).

مورد دیگری که نباید از جزای نقدی برای مبارزه با جرم استفاده کرد، جای است که جرم ارتكابی مجرم از نوع خفیف مثلاً جنحه است، ولی شخصیت خطرناک مرتکب آن ثابت شده



است و او نیازمند برنامه‌های اصلاحی و تربیتی باشد. بهتر بود قانونگذار، تعیین جزای نقدی را از سوی قاضی برای این‌گونه مجرمان، نیز ممنوع می‌کرد. هم‌چنین قانونگذار در ماده ۱۴۴ نحوه پرداخت و شیوه وصول جزای نقدی را بیان کرده است که براساس قانون اجراءات جزایی انجام می‌شود. قانون اجراءات جزایی نیز در ماده ۳۴۳ حکم می‌کند: «تنفیذ احکام قطعی محاکم مبنی بر اعاده مال، جزای نقدی، پرداخت مصارف و جبران خساره به دستور سارنوالی، مطابق احکام قانون اصول محاکمات مدنی و سایر اسناد تقنینی مربوط صورت می‌گیرد. مبالغ قابل تأدیه به دولت مطابق قواعد اداری تحصیل مالیات و دیون دولتی صورت می‌گیرد.»

۳. نوعیت جزای نقدی و حداقل آن

نوعیت جزای نقدی و حداقل آن در ماده ۱۴۰ بیان شده است: «(۱) جزای نقدی به پول افغانی تعیین می‌شود. (۲) جزای نقدی که به حکم محکمه تعیین می‌شود، از پنج هزار (۵۰۰۰) افغانی کمتر نمی‌باشد. (۳) اندازه جزاهای نقدی مندرج این قانون با نظر داشت نوسانات ارزش پول، بعد از هر پنج سال تجدید می‌گردد.»

در این ماده قانون‌گذار نوع پولی را که جزای نقدی باید با آن پرداخت شود و نیز نهادی که باید میزان آن را تعیین کند، مشخص نموده و هم‌چنین، میزان حداقل جزای نقدی و مدت تجدید نظر در مقدار آن را به علت کاهش ارزش پول، تعیین کرده است. دلیل این حکم قانون‌گذار آن است که پرداخت جزای نقدی با پول واحد پولی کشور دیگر، ضررهای اقتصادی بسیاری به دنبال دارد. هم‌چنین تعلیق جزای نقدی در قانون پیش بینی شده است: ماده ۲۲۲: (۱) هرگاه شخص به اثر ارتکاب جرم قباحت یا جنحه به جزای نقدی تا شصت هزار افغانی، محکوم گردیده باشد، محکمه می‌تواند جزای نقدی وی را تا پنج سال تعلیق نماید. (۲) هرگاه شخص مندرج فقره (۱) این ماده، به صورت داوطلبانه جزای نقدی را در میعاد معینه تأدیه نماید، سابقه جرمی وی زایل می‌گردد.

۴. تعریف جزای نقدی، شرایط تحقق و انواع آن

قانونگذار برای این که هیچ‌گونه ابهامی در مورد جزای نقدی باقی نماند و زمینه‌های تطبیق آن فراهم گردد، در ضمن مواد قانونی؛ جزای نقدی را تعریف و به انواع آن اشاره نموده است. ماده ۱۳۹: «جزای نقدی عبارت است از مکلف ساختن محکوم علیه به پرداخت مبلغ محکوم بها به خزانه دولت.»



مطابق ماده فوق جزای نقدی بدان معناست که محکوم علیه با حکم دادگاه ملزم به پرداخت وجه نقد به صندوق دولت گردد. هم چنین در مواد متعدد از کد جزا از جمله ۲۴۶ و ۳۷۲ به جزای نقدی دارای حداقل و اکثر و فاقد حداقل و اکثر اشاره نموده است. چگونگی تطبیق جزای نقدی منفرد یا تضامنی را نیز پیش بینی نموده است: «ماده ۶۸: (۱) هرگاه چند نفر فاعل و شریک از لحاظ ارتکاب جرم واحد، به حکم واحد به جزای نقدی محکوم شوند، این حکم بر هر کدام آن‌ها منفرداً تطبیق می‌شود. (۲) هرگاه حکم به جزای نقدی معادل مفاد مالی باشد که از رهگذر ارتکاب جرم حاصل گردیده یا توقع استحصال آن برده می‌شد، حکم بالای محکومینی که به حکم واحد به جزای نقدی محکوم شده اند، به طور تضامنی تطبیق می‌گردد، مگر این که قانون طور دیگری تصریح نموده باشد.»

اصل شخصی بودن مجازات چنین اقتضاء می‌کند که آن‌ها بطور منفرد و مستقل مجازات شوند، نه به صورت تضامنی؛ یعنی چنانچه جزای نقدی تعیین شده در قانون بین حداقل یکصد هزار و حداکثر سیصد هزار باشد و سه نفر در آن جرم شرکت نمایند، با توجه به صلاحیت قاضی در تعیین حداقل و حداکثر، ممکن است نفر اول یکصد و پنجاه هزار و نفر دوم دویست هزار و نفر سوم سیصد هزار محکوم به جزای نقدی گردند. اما این که اگر مجازات حبس بود، لازم می‌بود که فرد فرد آن‌ها زندانی شوند و در صورت قرار هر یک، شرکاء دیگر را بجای شخص فراری زندانی نمی‌کنند. اما همیشه این گونه نیست، در قوانین جزایی به مواردی برمی‌خوریم که کلیه شرکاء در جرم متضامناً مسوول پرداخت جزای نقدی می‌باشند. هنگامی که یک جرم توسط چند نفر صورت می‌گیرد و وصول جزای نقدی از یک نفر از آن‌ها کافی تشخیص داده می‌شود و تکلیف دیگران نسبت به پرداخت ساقط می‌گردد، مسوولیت تضامنی جزای نقدی حاصل شده است.

در ماده ۱۴۱ شرایط جزای نقدی بیان شده و قانونگذار محکمه را ملزم نموده است که در هنگام تعیین جزای نقدی شرایط ذیل را در نظر گیرد: تأمین اهداف جزا، احوال شخصی، اجتماعی و اقتصادی مرتکب، اندازه مفادی که از ارتکاب جرم حاصل گردیده یا توقع استحصال آن باشد و نوعیت حق یا مصلحتی که مورد تجاوز قرار گرفته است.

هم چنین افزایش جزای نقدی برای جلوگیری از کم ارزش شدن آن در ماده ۱۴۲، پیش بینی شده است: محکمه می‌تواند به اساس تشخیص خود یا مطالبه سارنوال، حداکثر جزای نقدی پیش‌بینی شده را با رعایت شرایط و احوال مندرج ماده ۱۴۱ این قانون تا دوچند بالا ببرد، مشروط بر این که بالا بردن حداکثر جزای نقدی به از بین بردن تمام دارایی محکوم‌علیه منجر نشود.

۵. راهکارهای رفع معایب جزای نقدی در کودجزا

جزای نقدی برغم امتیازات و فواید که دارد با کاستی‌ها و موانعی هم‌رو و هم‌است. کاستی‌ها و معایب جزای نقدی عبارتند از مغایرت آن با اصول حاکم بر جرایم و مجازات‌ها مانند اصل تساوی و اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی و هم‌چنین انتقادات دیگری که بر جزای نقدی وارد است از قبیل عدم بازدارندگی جزای نقدی، عدم قطعیت تطبیق مجازات نقدی و کم‌ارزش شدن میزان جزای نقدی به دلیل نوسانات ارزی و پولی کشورها. دولت‌ها با کمک از اندیشمندان علم حقوق برای از بین بردن معایب جزای نقدی یا حداقل ایجاد محدودیت کاستی‌ها و موانع جزای نقدی؛ راهکارها و تدابیری را در قوانین موضوعه پیش‌بینی نموده است تا سرانجام زمینه برای تطبیق جزای نقدی هموار و فراهم گردد و نواقص جزای نقدی ازاله یا به حداقل برسد. قانون‌گذار افغانستان نیز در کد جزا تدابیری برای رفع معایب جزای نقدی پیش‌بینی نموده و هم‌چنین کیفیت وصول جزای نقدی را در نظر گرفته است. البته نباید توقع داشت که جزای نقدی فارغ از تمام عیوب و کاستی‌ها باشد؛ چرا که هنوز فکر بشر موفق به ارائه مجازاتی نشده است که کلیه محاسن در آن جمع و خالی از هر عیب و نقصی باشد. لذا تمام مجازات‌ها دارای محاسن و معایب هستند؛ اما هر جزا دارای محاسن و معایب مختص به خود می‌باشد. جزای نقدی نیز بدین گونه است. در نهایت با توجه به این محاسن و چاره‌جویی رفع معایب آن به عنوان شیوه‌های اصلاحی جزای نقدی جهت وصول به اهداف آن است. در این بخش ابتدا به تدابیر و روش‌های رفع نقصان جزای نقدی با محوریت کدجزا پرداخته می‌شود و سپس روش‌های قانونی تحصیل جزای نقدی را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

۱-۵. روش‌های رفع معایب جزای نقدی

قانون‌گذار افغانستان در مواد متعددی از کدجزا تلاش نموده است که با تدابیر و وضع مقررات خاص معایب جزای نقدی را رفع نموده و بستر اجرایی شدن مجازات نقدی را فراهم نماید. طبیعی است که امکان ندارد تمامی معایب و کاستی‌های جزای نقدی از بین برود و چنین ادعای در مورد تمامی مجازات نادرست است. به دلیل این که دنیا محل تراحم و تنازع است و اجرای مجازات؛ گرچند بادقت هم صورت گیرد خالی از نقص و عیب نیست و همانند دواها می‌ماند اگر جای را ترمیم نکند، عوارض هم به دنبال دارد ولی تلاش‌ها در جهت رفع معایب و تقویت مزیت‌ها نباید متوقف شود. راهکارهای رفع معایب جزای نقدی با استفاده از کدجزا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱-۱-۵. رعایت اصل شخصی بودن مسولیت کیفری

یکی از انتقادات جدی که بر جزای نقدی وارد کرده‌اند عدم رعایت اصل شخصی بودن مسولیت جزایی است. به دلیل این که در محکومیت جزای نقدی افراد خانواده، شرکا و اقارب محکوم‌علیه آسیب می‌بینند که هیچ نقشی در ارتکاب جرم نداشتند. قانونگذار تلاش کرده است که چیدمان و کیفیت تعیین جزای نقدی به گونه‌ای باشد که تا حد امکان جلو این آسیب گرفته شود، از باب مثال در صورتی که مجازات تعدد جرم، جزای نقدی و تدابیر تأمینی تعیین گردیده شده باشد، در این صورت جزای نقدی و تدابیر تأمینی بدون محدودیت بر مرتکب تطبیق می‌گردد. البته در جزای نقدی این موضوع مشروط به از بین نرفتن کل دارایی محکوم‌علیه می‌باشد: « ماده ۷۸: جزای نقدی با رعایت حکم مندرج ماده ۱۴۲ این قانون و تدابیر تأمینی به هر اندازه‌ای که متعدد گردد، بالای محکوم‌علیه تطبیق می‌گردد. در ماده ۱۴۲ چنین مقرر شده است: «محکمه می‌تواند به اساس تشخیص خود یا مطالبه سارنوال، حداکثر جزای نقدی پیش‌بینی شده را با رعایت شرایط و احوال مندرج ماده ۱۴۱ این قانون تا دوچند بالا ببرد، مشروط بر این که بالا بردن حد اکثر جزای نقدی به از بین بردن کلی دارایی محکوم‌علیه منجر نشود.» دلیل این شرط رعایت اصل شخصی بودن مجازات است. در صورتی که جزای نقدی، موجب شود که محکوم‌علیه همه ثروت خویش را از دست دهد، ظالمانه و غیرانسانی است و او را از زندگی اقتصادی ساقط و سبب مجازات همه افراد خانواده و واجب‌النفقة او و نیز داینین او می‌شود. اما اگر شخصی مرتکب جرایم متعددی شود که در قانون برای همه آن جرایم، تدابیر تأمینی، پیش‌بینی شده‌است، همه آن تدابیر بدون قید و شرط، بر مرتکب تطبیق می‌شود. تطبیق همه تدابیر تأمینی جرایم متعدد ارتكابی مشروط به شرط خاصی نیست. همچنین قابل ذکر است که در صورتی که جزای نقدی و تدابیر امنیتی برای مرتکب در نظر گرفته شده باشد، در این صورت نیز هر دو مجازات بر مرتکب بدون محدودیت قابل تطبیق می‌باشد. ماده ۴۴۴ قانون اجراءات جزایی به ترتیب زیر بر یکدیگر اولویت دارد: «هرگاه حکم به جزای نقدی، پرداخت مصارف، آن چه اعاده اش لازم است و جبران خساره یک جا صادر شده باشد و اموال محکوم‌علیه برای ایفای تمامی آن کافی نباشد، نخست آن چه اعاده اش لازم است، تأدیه گردیده، از متباقی وجوه بالترتیب مصارف و جبران خساره و اخیراً جزای نقدی پرداخت می‌شود.» پرداخت امور لازم-الاعاده، مانند پرداخت نفقه و دیون که دیگران بر ذمه او دارند. پرداخت مصارف مانند آن که امین برای نگهداری اموال امانی، پولی را مصرف کرده‌است.

بنابراین، قانونگذار نهایت تلاش خود را در عرصه قانونگذاری انجام داده است تا از ضرر و زیان ناشی از جزای نقدی بر خانواده و شرکای محکوم‌علیه جلوگیری نماید. اما به یاد داشته



باشیم که سرایت مجازات به خانواده محکوم ویژه محکومیت به جزای نقدی نیست. اصولاً، اصل شخصی بودن مجازات‌ها بیشتر نظری است تا عملی، زیرا آثار محکومیت به طور قهری به خانواده محکوم سرایت می‌کند. خواه محکومیت به جزای نقدی باشد یا سایر مجازات‌ها نظیر حبس. فردی که به حبس محکوم شده است در آن مدت نه فقط توانایی تأمین معاش خانواده خود را نخواهد داشت، بلکه از نظر روحی هم، خانواده و خویشاوندان مجرم رنج می‌برند. از سوی دیگر هر چند بر اساس اصل شخصی بودن مسولیت جزایی؛ هرکس در قبال اعمال خود مسولیت دارد و نمی‌توان او را به خاطر اعمال و کردار دیگران مواخذه نمود، اما در عین حال این قاعده هم در حقوق وضعی و هم در متون دینی در مواردی تخصیص می‌خورد. مانند مسولیت جزایی سردبیر روزنامه به خاطر مقالاتی که دیگران نوشته ولی در روزنامه چاپ شده است یا مسولیت کارفرما در برابر کارگر یا مدیر عامل یک شرکت در قبال رفتارهای کارمندان شرکت. (عوده، ۱۴۰۵، ۳۹۶) در متون دینی نیز مواردی وجود دارد که به ظاهر با اصل شخصی بودن مسولیت جزایی مخالفت دارد، مانند وجوب دیه بر عاقله در این قضیه مصداق بارز آن است که کسی گناه می‌کند و دیگری بارگناه او را به دوش می‌کشد، یا این که جبران خسارت ناشی از خطای قاضی در صدور حکم بر عهده دولت قرار گرفته است و باید از بیت‌المال تأدیه گردد.

۲-۱-۵. تجدید نظر در مقدار جزای نقدی

یکی از اشکالات جزای نقدی این است که میزان جزای نقدی با توجه به نوسانات ارز امکان دارد کاهش پیدا نموده و مبلغی را که قانونگذار به عنوان جزای نقدی تعیین کرده بسیار ناچیز و کم ارزش شود و نتواند که جنبه بازدارندگی داشته باشد. قانون‌گذار برای رفع این عیب و کاستی تدبیری را در نظر گرفته و آن تجدیدنظر در میزان تعیین جزای نقدی بعد از هر پنج سال است در این مورد چنین مقرر نموده است: « ماده ۱۴۰: « (۱) جزای نقدی به پول افغانی تعیین می‌شود.

(۲) جزای نقدی که به حکم محکمه تعیین می‌شود، از پنج هزار (۵۰۰۰) افغانی کمتر نمی‌باشد.

(۳) اندازه جزاهای نقدی مندرج این قانون با نظر داشت نوسانات ارزش پول، بعد از هر پنج سال تجدید می‌گردد.»

براساس فقره (۱) این ماده جزای نقدی به پول افغانی تعیین می‌شود. دلیل این حکم قانون‌گذار آن است که پرداخت جزای نقدی با واحد پولی کشور دیگر، ضررهای اقتصادی



بسیاری به دنبال دارد. چون این امر نوع تشویق مردم به استفاده از ارزهای خارجی است که آن‌هم از سوی نهادهای رسمی کشور انجام می‌گردد. تحریک و هجوم مردم به استفاده از ارزهای خارجی در معاملات، موجب می‌شود که ارزهای کشورهای خارجی در بازار با کمبود مواجه شود و قیمت آنها افزایش و برعکس ارزش واحد پولی کشور در بازارهای پولی تنزل یابد. افزون بر این، استفاده از پول‌های خارجی در کشور سبب حاکمیت پولی و مالی آنان، بر نظام پولی و اقتصادی کشور می‌شود. در فقره (۲) این ماده، قانونگذار حکم کرده‌است که جزای نقدی تنها به حکم محکمه تعیین می‌شود. مبنای حقوقی این حکم قانونگذار آن است که جزای نقدی، نوع مجازات است. محکوم کردن متهمان به مجازات و تطبیق آن بر آنها، نوع اعمال سلطه و حاکمیت از سوی دولت است که این عمل از طریق نهادی رسمی حکومتی انجام می‌شود و هیچ شخصی و نهادی دیگری غیر از حکومت حق ندارد دست به اعمال حاکمیتی بزند. در فقره (۳) این ماده راه‌حلی برای نوسانات و کم ارزش شدن واحد پول ملی و تبدیل شدن جزای نقدی به مبلغ ناچیز بیان شده‌است. براساس این راه‌حل باید قانونگذار هر پنج سال یکبار، در میزان جزای نقدی مندرج در کد جزا با توجه به نوسانات ارزش پول کشور تجدید نظر کند، تا به خاطر کم ارزش شدن واحد پولی کشور جنبه جزایی و رنج‌آوری، خود را از دست ندهد.

۳-۱-۵. افزایش جزای نقدی با توجه به وضعیت محکوم علیه

از ایرادهای جزای نقدی این است که در تطبیق جزای نقدی اصل تساوی رعایت نمی‌گردد. زیرا جزای نقدی بر فقیر و سرمایه‌دار تاثیر یکسان و مساوی وارد نمی‌کند. جزای نقدی با توجه به وضعیت اقتصادی فرد ثروتمند و متمکن مالی جنبه بازدارندگی نداشته و مرارت و تلخی برای او به بار نمی‌آورد و چه بسا شخص سرمایه‌دار از این نوع محکومیت به ریش قاضی بخندد اما محکومیت مالی برای آدم فقیر و بی بضاعت رنج‌آور و زجر دهنده است و چه بسا از شدت حبس نیز بیشتر باشد. قانونگذار برای این که اصل تساوی در محکومیت به جزای نقدی رعایت گردد؛ قاضی را مکلف نموده است که در تعیین جزای نقدی اوضاع و احوال مرتکب را در نظر گیرد و در موارد که مرتکب جرم دارای مکنت مالی زیاد است و از سوی دیگر جرم سنگین را مرتکب شده است جزای نقدی را تا دو برابر افزایش دهد. ماده ۱۴۱ کدجزا در این مورد مقرر نموده است: «محکمه در تعیین جزای نقدی پیش‌بینی شده در این قانون بین حداقل و حداکثر، شرایط و احوال آتی را رعایت می‌نماید:

۱- تامین هدف جزائی ۲- احوال شخصی، اجتماعی و اقتصادی مرتکب. ۳- اندازه مفادی که از ارتکاب جرم حاصل گردیده یا توقع استحصال آن برده می‌شود. ۴- نوعیت حق یا



مصلحتی که مورد تجاوز قرار گرفته است». در ماده ذکر شده، قانونگذار محکمه را ملزم کرده است که در هنگام محکوم کردن متهم به میزان خاصی از جزای نقدی براساس قانون، هدف مجازات، احوال شخصی، اجتماعی، اقتصادی، میزان نفع مرتکب و نوع حق مصلحت مورد تجاوز را در نظر گیرد. قانونگذار با ملزم کردن قاضی به رعایت این شرایط در واقع، راه حل دیگری را برای کاهش عیوب جزای نقدی بیان کرده است.

براساس این ماده قاضی محکمه در هنگام محکوم کردن متهم به حداقل یا حداکثر یا جزای نقدی پیش بینی شده در این قانون، باید امور زیر را در نظر گیرد.

یک- اهداف جزاها؛ مثلاً در هنگام محکوم کردن متهم بررسی کند که با محکوم کردن او به چه میزانی از جزای نقدی، عدالت اجرا و از ارتکاب مجدد جرم پیشگیری می شود، آن وقت او را به همان مقدار، براساس قانون، محکوم کند.

دو- تناسب میان جرم و جزا؛ قانونگذار برای رعایت تناسب، محکمه را ملزم کرده است که در زمان محکوم کردن متهم به میزان خاصی از جزای نقدی، باید دو چیز را در نظر گیرد یکی میزان فایده ای که متهم از طریق ارتکاب جرم بدست آورده است یا انتظار داشت که تحصیل کند و دیگری نوع حق و مصلحتی را که مورد تجاوز قرار داده است. طبیعی است اگر میزان فایده مورد نظر بیشتر یا حق و مصلحت مورد تجاوز اهمیت داشته باشد مانند آن که اموال عامه را اختلاس کرده باشد، متهم، مستحق حداکثر جزای نقدی است، و گر نه باید به جزای نقدی حداقل محکوم شود.

سه- احوال شخصی اجتماعی و اقتصادی متهم؛ احوال شخصی مانند آن که سابقه جرمی داشته باشد، متهم فرد مورد اعتماد مجنی علیه باشد و جرایم مالی را علیه او مرتکب شود. احوال اجتماعی مثل آنکه متهم در جامعه شخص ذی نفوذ و دارای پایگاه اجتماعی باشد و مرتکب جرم شود. احوال اقتصادی مانند آنکه متهم ثروتمند یا فقیر یا از جمله اقشار متوسط جامعه باشد. محکمه باید با توجه به این حالات، متهم را به حداکثر یا حداقل جزای نقدی محکوم کند.

قانون اجراءات جزایی سال ۱۳۹۳ در فقره (۱) ماده ۳۴۷ راه حل های دیگری نیز برای کاهش عیوب جزای نقدی برای محکوم علیه فقیر، مهلت دادن و قسط بندی در پرداخت جزای نقدی پیش بینی کرده است: «محکمه صادرکننده حکم در احوال استثنایی می تواند به اساس مطالبه محکوم علیه و موافقه سارنوال برای پرداخت مبالغی که محکوم علیه مکلف به تأدیة آن به دولت می باشد، مهلت اقساط تعیین نماید». در برخی از کشورها در صورت که

محکوم علیه معسر باشد یا حاضر نشود که هیچگاه جزای نقدی را پرداخت کند، جزای نقدی، تبدیل به خدمات عامه می شود.

راه حل دیگری که قانونگذار برای رفع عیب عدم تساوی تأثیری جزای نقدی در نظر گرفته است، افزایش جزای نقدی است و لذا در ماده ۱۴۲ کد جزا این گونه پیش بینی کرده است: «محکمه می تواند به اساس تشخیص خود یا مطالبه خائنوال، حداکثر جزای نقدی پیش بینی شده را با رعایت شرایط و احوال مندرج ماده ۱۴۱ این قانون تا دو چند بالا ببرد، مشروط بر این که بالا بردن حد اکثر جزای نقدی به از بین بردن کلی دارایی محکوم علیه منجر نشود.

در این ماده قانونگذار، برای کاهش عیوب جزای نقدی، افزایش جزای نقدی را تا دو برابر تحت شرایط خاصی پیش بینی کرده است. این ماده دقیقاً از ماده ۱۰۹ قانون جزای سال ۱۳۵۵ گرفته شده است.

برای آن که جزای نقدی برای اشخاص ثروتمند نیز جنبه جزایی و بازدارندگی داشته باشد یا متناسب با جرم ارتكابی بشود و نقص جزای نقدی نیز تا حدودی مرتفع شود، ماده (۱۴۲) کد جزا، این اختیار را برای قاضی محکمه داده است که میزان حداکثر جزای نقدی را به اساس تشخیص خود یا مطالبه سارنوال تا دو برابر افزایش دهد براساس این ماده محکمه براساس شرایط زیر می تواند متهم را به میزان دو برابر حداکثر جزای نقدی پیش بینی شده در کد جزا، محکوم کند:

۱. محکمه تشخیص دهد که محکومیت متهم تا میزان دو برابر حداکثر جزای نقدی ضروری است یا سارنوال محکومیت او را به چنین جزای مطالبه کند؛
۲. شرایط و احوال مندرج ماده ۱۴۱ کد جزا؛ که در آن ماده، شرح داده شد رعایت شود؛
۳. محکومیت متهم به این میزان جزای نقدی موجب نشود که او تمام دارایی خود را به عنوان جزای نقدی به دولت پرداخت کند.

از بررسی مجموع مواد مربوط به کد جزا در باره جزای نقدی راه حل دیگری نیز برای کاهش عیوب این نوع مجازات می توان استنباط کرد و آن این که قانونگذار برای بعضی از جرایم جزای حبس یا جزای نقدی و برای بعضی دیگر هر دو جزا را پیش بینی کرده است. اگر قاضی در دسته اول از جرایم تشخیص دهد که جزای نقدی برای محکوم علیه جنبه جزایی ندارد، می تواند او را در عوض جزای نقدی، به حبس محکوم نماید و در دسته دوم او را به هر دو جزا محکوم نماید. در کد جزا از این راه حل بیشتر استفاده شده است.



۲-۴. روش پرداخت جزای نقدی

از جمله ایرادهای بر جزای نقدی، عدم قطعیت و حصول آن است. دلیل عدم حصول و تطبیق جزای نقدی می‌تواند معلول عوامل متعدد باشد مانند معسر و تنگدست بودن محکوم علیه یا اخفا و پنهان ساختن دارایی خود، قانونگذار برای رفع این نقصان و یا کاهش آن تدابیری را ذکر نموده است مانند قسط بندی جزای نقدی، اخذ جبری جزای نقدی از طریق حسابهای بانکی و در نهایت محکومیت به حبس در صورت عدم پرداخت جزای نقدی. به هر صورت تضمین اجراهای لازم را برای اجرایی شدن جزای نقدی پیش بینی شده است که اگر بالاتر از میزان اجرای سایر مجازات نباشد، کمتر هم نیست. تدابیر حصول جزای نقدی و روش‌های اجرایی شدن آن در یک بخش مستقل با عنوان روش‌های حصول جزای نقدی مورد بحث قرار می‌گیرد. کیفیت و چگونگی حصول جزای نقدی هم در حقوق جزای افغانستان بحث می‌شود و هم در نظام حقوق سایر کشورها که قانونگذار افغانستان از سایر روش‌های مفید حصول جزای نقدی که در کشورهای پیشرفته به کار گرفته می‌شود غافل مانده است.

۱-۲-۴. روش‌های حصول جزای نقدی

یکی از چالش‌های اصلی جزای نقدی عدم پرداخت آن از سوی محکومان به این مجازات است؛ چون ممکن است محکوم علیه مال نداشته باشد یا اموال خود را مخفی کند و تحت هیچ شرایطی حاضر به پرداخت آن نشود و از سوی دیگر جزای نقدی، یک نوع مجازات است، نمی‌توان از تطبیق آن چشم پوشی کرد و به محکوم علیه اجازه داد که از اجرای قوانین آمره و حاکمیتی دولت خودداری کند. جزاهای دیگر مثل اعدام و حبس، به اندازه جزای نقدی با این چالش مواجه نیست؛ چون شخص محکوم علیه معمولاً در اختیار حکومت است. هر وقت بخواهد می‌تواند جزای اعدام و حبس را بر او تطبیق کند. ولی اموال او در تحت تسلط دولت نیست؛ ممکن است مال نداشته یا توانایی پرداخت آن را به صورت یکجا نداشته باشد و یا اموال خود را مخفی کند. قانونگذار برای رفع این عیب یا حداقل کاهش دادن آن، روش‌ها و تدابیری را در کد جزا بیان کرده است و از آن جای که چگونگی وصول و حصول جزای نقدی یک روش و راهکار است طبعاً مشمول مقررات اصول محاکمات جزای و شیوه اجراء جزای می‌شود. از همین رو قانونگذار، روش پرداخت جزای نقدی را واگذار به مقررات اجراء جزای نموده و در ماده ۱۴۴ از کد جزا این گونه مقرر می‌دارد: «پرداخت جزای نقدی مطابق به احکام قانون اجراء جزایی صورت می‌گیرد». همانطوری که ملاحظه می‌کنید در این ماده قانونگذار نحوه پرداخت و شیوه وصول جزای نقدی را بیان کرده است که براساس قانون اجراء جزایی انجام می‌شود. البته لازم به یاد آوری است که این شیوه جدیدی نیست بلکه

سابقه قانونگذاری دارد و در ماده ۱۱۱ قانون جزای سال ۱۳۵۵، نحوه پرداخت جزای نقدی منوط به قانون اجراءات پیش‌بینی شده بود: «پرداخت جزای نقدی مطابق به احکام قانون اجراءات جزائی صورت می‌گیرد» این ماده کد جزا هیچ تفاوتی با آن ندارد.

قانون اجراءات، تنها به نحوه پرداخت جزای نقدی در صورت که محکوم‌علیه، مالی نداشته باشد، اکتفا نکرده است، بلکه سایر جنبه‌ها و نحوه احکام پرداخت جزای نقدی را نیز در ماده ۴۴۳ و ۴۴۷، بیان کرده است که در ادامه بررسی می‌شود.

۱-۲-۴. پرداخت جزای نقدی براساس اسناد تقنینی

تنفیذ اجرای جزای نقدی براساس احکام قانون اصول محاکمات جزایی و سایر اسناد تقنینی؛ قانون اجراءات جزایی در ماده ۳۴۳ حکم می‌کند: «تنفیذ احکام قطعی محاکم مبنی بر اعاده مال، جزای نقدی، پرداخت مصارف و جبران خساره به دستور سارنوالی، مطابق احکام قانون اصول محاکمات مدنی و سایر اسناد تقنینی مربوط صورت می‌گیرد. مبالغ قابل تأدیه به دولت مطابق قواعد اداری تحصیل مالیات و دیون دولتی صورت می‌گیرد».

در قانون اصول محاکمات مدنی با صراحت در مورد احکام قطعی محاکم مبنی بر اعاده مال، جزای نقدی، پرداخت مصارف و جبران خساره ماده‌ای وجود ندارد. اما در مواد ۲۸ و ۳۱ قانون طرز تحصیل حقوق، سه طریق مهلت دادن، قسط بندی کردن و اخذ جبری در خصوص وصول دین از اموال و حقوق محکوم‌علیه پیش‌بینی شده است. دو شیوه مهلت دادن و قسط بندی کردن جزای نقدی، به صراحت در قانون اجراءات جزایی بیان شده است لذا نیازی نیست که در باره آن به قانون طرز تحصیل حقوق استناد شود و تنها به شیوه سوم که عبارت از اخذ جبری جزای نقدی است به این قانون استناد می‌شود.

۲-۲-۴. مهلت دادن یا قسط بندی کردن جزای نقدی

در صورت که محکوم‌علیه نتواند فوراً یا یکجا، جزای نقدی را پرداخت کند، به حکم ماده ۳۴۷ قانون اجراءات جزایی در صورت مطالبه محکوم‌علیه و موافقت سارنوال می‌توان به او مهلت داد یا جزای نقدی او را قسط بندی کرد: «محکمه صادرکننده حکم در احوال استثنایی می‌تواند به اساس مطالبه محکوم‌علیه و موافقه سارنوال برای پرداخت مبالغی که محکوم‌علیه مکلف به تأدیه آن به دولت می‌باشد، مهلت یا اقساط تعیین نماید». براساس فقره (۲) این ماده، اگر محکمه با صدور قرار، درخواست محکوم‌علیه را مبنی بر مهلت دادن یا تقسیط کردن جزای نقدی، رد کند، این قرار قابل اعتراض نیست: «صدور قرار مبنی بر قبول یا رد مطالبه مندرج فقره (۱) این ماده، قابل اعتراض نیست.»



در صورت که محکوم علیه بدون عذر موجه از پرداخت اقساط خودداری کند حکم آن را فقره (۳) این ماده بیان کرده است: «هرگاه محکوم علیه در تحویل دو قسط یا بیشتر از آن بدون عذر موجه تأخیر نماید، محکمه، می تواند به درخواست سارنوال به الغای اقساط و تعجیل تنفیذ حکم، قرار صادر نماید.»

البته برخی از حقوق دانان با قسط بندی جزای نقدی مخالف اند؛ زیرا، جزای نقدی مانند شلاق و زندان نوعی مجازات است و حفظ نظم اجتماعی اجرای فوری مجازات را ایجاب می کند، تا جنبه بازدارندگی آن خدشه دار نشود از این رو اگر جزای نقدی را قابل تقسیط بدانیم در موارد این مجازات اعمال نخواهد شد و اگر هم اجرا شود دریافت محکوم به سالها به درازا خواهد کشید؛ در حالی که، هدف قانونگذار از تصویب جزای نقدی اجرای فوری آن است تا منافع جامعه و دولت در تطبیق آن تامین گردد. (اردبیلی، ۱۳۷۹، ۱۲۳) به نظر می رسد این ایراد چندان به جا نیست؛ به این دلیل که اگر محکوم فاقد امکانات مالی برای پرداخت جزای نقدی باشد و اجازه تقسیط نیز داده نشود، تنها راه، اعزام محکوم به زندان است که مضرات زیادی دارد و با اهداف مقنن از وضع این کیفر، منافات دارد. از همین رو، نظریه غالب پذیرش قسط بندی جزای نقدی است شاید دلیل و مبنای این نظریه حفظ مصالح اجتماعی و دور شدن مجرم از محیط زندان و عوارض و پیامدهای منفی آن باشد.

۳-۱-۲-۴. اخذ جبری جزای نقدی

بعد از حکم محکمه به پرداخت جزای نقدی، محکوم علیه ملزم است که جزای نقدی را همانند دین، پرداخت کند. در صورت امتناع از انجام این عمل، می توان جزای نقدی را مثل دین از فروش اموال منقول، غیر منقول، معاش یا حساب بانکی متهم وصول کرد. چون قانونگذار در ماده ۳۴۳ قانون اجراءات جزایی حکم کرده است که «مبالغ قابل تأدیه به دولت مطابق قواعد اداری تحصیل مالیات و دیون دولتی صورت می گیرد». در ماده ۳۱ قانون طرز تحصیل حقوق در باره تحصیل جبری دین که اطلاق آن شامل دین دولتی و شخصی می شود، می خوانیم: «(۱) هرگاه مدیون، دارایی منقول یا غیر منقول جهت ادای دین نداشته، ولی شاغل در برابر اجرت باشد، دین به همکاری اداره مربوط با رعایت احتیاجات اولیه مدیون از وجه حق الاجرت مدیون تحصیل و به داین پرداخت می شود. (۲) هرگاه مدیون، دین داین را تأدیه ننماید، اداره حقوق به تثبیت دارایی وی اقدام می کند. در صورتی که مدیون دارای حساب بانکی باشد یا اموال منقول باشد، اداره حقوق حساب وی را پس از استیذان محکمه ذیصلاح مسدود و با رعایت احتیاجات اولیه مدیون، به تحصیل حق داین، اقدام می نماید. (۳) هرگاه حکم قطعی و نهایی در مورد پرداخت حق محکوم له صادر شده باشد و محکوم علیه حاضر به

پرداخت حق محکوم‌آه نباشد، اداره به تثبیت دارایی وی اقدام می‌کند. در صورتی که مدیون دارای حساب بانکی باشد، اداره حقوق حساب بانکی وی را مسدود و با رعایت احتیاجات اولیه محکوم‌علیه به تحصیل حق محکوم‌له اقدام می‌نماید.»

۴-۲-۱-۴. اولویت پرداخت امور لازم‌الاعاده، بر جزای نقدی

در مواردی که متهم محکوم به پرداخت امور لازم‌الاعاده، پرداخت مصارف، جبران خساره و جزای نقدی محکوم شود، پرداخت هرکدام از اینها به حکم ماده ۴۴۴ قانون اجراءات جزایی به ترتیب زیر بر یکدیگر اولویت دارد: «هرگاه حکم به جزای نقدی، پرداخت مصارف، آنچه اعاده اش لازم است و جبران خساره یکجا صادر شده باشد و اموال محکوم‌علیه برای ایفای تمامی آن کافی نباشد، نخست آنچه اعاده اش لازم است، تأدیه گردیده، از متباقی وجوه بالترتیب مصارف و جبران خساره و اخیراً جزای نقدی پرداخت می‌شود». پرداخت امور لازم‌الاعاده مانند، مانند پرداخت نفقه و دیون که دیگران بر ذمه او دارند. پرداخت مصارف مانند آن که امین برای نگهداری اموال امانی، پولی را مصرف کرده‌است. جبران خساره مانند آنکه خسارتی بر اموال دیگران وارد کرده‌باشد.

۴-۲-۱-۵. تقدم پرداخت جزای نقدی جرایم شدید بر جرایم خفیف

اگر شخصی مرتکب جنایت، جنحه و قباحت شده‌باشد و به دلیل ارتکاب آن‌ها از سوی محکمه، محکوم به جزای نقدی شود، به حکم ماده ۳۴۵ قانون اجراءات جزایی، در مرحله اول جزای نقدی جنایت سپس جنحه و سرانجام جزای نقدی قباحت از وجوه حاصله یا از فروش جبری اموال مرتکب صورت می‌گیرد: «هرگاه حکم به تأدیبات مالی از اثر ارتکاب جرایم متعدد صادر شده‌باشد، از وجوه نقدی حاصله یا از فروش جبری مایملک محکوم‌علیه بالترتیب جزای محکوم‌بهای جنایت، بعداً جنحه و سپس قباحت تأدیه می‌گردد.»

۴-۲-۱-۶. محاسبه جزای نقدی و حبس در برابر توقیف

اگر شخصی به خاطر اتهام ارتکاب جرمی مدتی توقیف شده باشد، و سپس اتهام مذکور ثابت و از سوی محکمه به پرداخت جزای نقدی تنها محکوم یا محکوم به جزای نقدی و حبس شود، عدالت و انصاف حکم می‌کند که این مدت توقیف او در نظر گرفته شده و از میزان جزای نقدی یا مدت حبس او کاسته شود؛ چون با این توفیف متهم در واقع مجازات شده و حق آزادی او سلب شده‌است. از نظر ماهیت توقیف و حبس هیچ تفاوتی به هم ندارد. به همین دلیل قانونگذار در فقرة (۱) ماده ۳۴۶ قانون اجراءات جزای حکم به محاسبه جزای نقدی در برابر توقیف و در فقرة (۲) حکم به مجرای حبس در مقابل توقیف کرده‌است: «هرگاه



شخص توقیف شود و در نتیجه محاکمه صرف به تأدیات نقدی محکوم گردد، در برابر هر روز توقیف معادل عاید روزانه محکوم قبل از توقیف از مبلغ جزای نقدی محکوم بها سنجش و برای وی مجرا داده می شود. این حکم در مورد سایر وجایب محکوم بها قابل تطبیق نیست». در این فقره، قانونگذار میزان درآمد روزانه محکوم علیه را ملاک محاسبه و مجرای قرار داده است، نه مبلغ معین و ثابت را. انتخاب این ملاک دو امتیاز دارد اولاً با عدالت و انصاف نزدیکتر است؛ چون درآمد محکومان به جزای نقدی، با توجه شغل و حرفه آنها متفاوت است. حقوق اشخاص که روزانه دارای عایدات بیشتری است با ملاک قراردادن درآمد روزانه آنان پایمال نمی شود و ثانیاً نوسانات قیمت پول و کاهش ارزش آن، نیز تأثیری در این ملاک ندارد. در این ماده به صراحت بیان شده است که حکم مجرای، مخصوص جزای نقدی است و در مورد سایر تکالیف مالی شخص قابل تطبیق نیست. مثلاً اگر کسی به دلیل اتهام فرار مالیاتی به مدت چند روزی توقیف شود و سپس تنها محکوم به پرداخت مبلغ معین به عنوان مالیه به خزانه دولت شود، مدت توقیفی او از میزان مالیات که باید پرداخت کند، کسر نمی شود.

اگر کسی به جزای نقدی و حبس با هم محکوم گردد، براساس فقره (۲) این ماده، مدت توقیف از جزای حبس او نیز کسر و در واقع مجرا داده می شود: «هرگاه حکم شامل حبس و جزای نقدی بوده و مدت توقیف بیشتر از مدت حبس محکوم بها باشد، در این صورت مدتی که محکوم علیه بیشتر از مدت محکوم بها را در توقیف سپری نموده است، طبق حکم مندرج فقره (۱) این ماده قابل مجرای می باشد».

بنابراین ایام توقیف و بازداشت قبلی محاسبه و از میزان جزای نقدی کم می شود. منظور از بازداشت قبلی مدت زمانی است که متهم قبل از صدور حکم قطعی و شروع به اجرای آن زندانی شده باشد. (آخندی، ۱۳۶۸، ۹۲) اصل قانونی بودن مجازات و عدل و انصاف ایجاب می نماید که مدت بازداشت قبلی جزء مجازات محکوم علیه بحساب آید و به نحوی از جزای نقدی کسر گردد. «توقیف های قبل از محکومیت حقی برای محکومین بوجود می آورد که مقنن رعایت این حق را با اجازه و احتساب و کسر کردن از مدت مجازات پذیرفته اند و لهذا لازم است توقیف های سابق را از اجرای قبلی و مقدماتی مجازات بدانیم.» (گارو، ۱۳۸۹، ۲۱)

جزای نقدی را به شیوه های فوق در صورتی می توان اخذ کرد که محکوم علیه مال منقول یا غیر منقول داشته باشد یا در حساب بانکی او پولی موجود باشد یا جای شاغل و دارای معاش باشد، ولی اگر او هیچ مالی نداشته باشد، آیا جزای نقدی او تبدیل حبس می شود؟ در پاسخ باید گفت که در قوانین جزایی افغانستان، تبدیل شدن جزای نقدی، به حبس پیش بینی

نشده است. بهترین شیوه اخذ جزای نقدی در این گونه موارد، تبدیل آن به خدمات عام‌المنفعه است. بخشی از مزد او به برای مخارج و نفقه افراد واجب‌النفقه او پرداخت شود و بخشی دیگر به عنوان جزای نقدی به حساب دولت واریز شود. برای تکمیل شدن روش‌های حصول جزای نقدی راهکارهای دیگری که در قانون جزای کشورها ذکر شده است و اندیشمندان حقوق جزا بدان توصیه نموده اند؛ مانند انجام کار عام‌المنفعه در بدل جزای نقدی، جزای نقدی روزانه، پرداخت از سوی اشخاص سوم و تبدیل شدن به حبس از جمله تدابیری است برای رفع معایب جزای نقدی که البته تمامی این تدابیر مرهون دستاورد جنبش دفاع اجتماعی است و جا دارد که قانونگذار افغانستان در تعدیل قانون جزا از راهکارهای ذکر شده برای رفع کاستی‌های جزای نقدی استفاده نماید.

جمع‌بندی

جزای نقدی با مفاهیم مانند جریمه نقدی، خسارت مالی، دیه و سایر محکومیت‌های مالی کاملاً متفاوت است. جزای نقدی عبارت از مقدار مبلغ معینی است که به حکم محکمه از سوی محکوم علیه در خزانه دولت واریز گردد. در حالی که جریمه نقدی نیاز به حکم محکمه ندارد، دیه و جبران خسارت به متضرر پرداخت می‌گردد نه به دولت. اصول و قواعد حاکم بر جزای نقدی از سوی قانونگذار عبارتست از تعیین جزای نقدی به عنوان مجازات اصلی و قلمرو جزای نقدی در جرایم خفیف مانند قباحت و جنحه است و در جرایم از نوع جنایت جزای نقدی پیش‌بینی نشده مگر به صورت استثنا و در ضمن برای تثبیت پول ملی کشور، جزای نقدی با پول افغانی تعیین شده است نه با اسعار خارجی.

قانونگذار افغانستان جهت کاهش معایب جزای نقدی راهکارهای را در پیش گرفته است: برای این که در محکومیت به جزای نقدی کل خانواده محکوم علیه متضرر نشود، تمام دارای محکوم علیه را مشمول جزای نقدی ندانسته است و هم چنین به جهت نوسانات ارزش پول مقرر کرده است که هر از پنج سال میزان جزای نقدی مورد بررسی قرار گرفته و در صورت لزوم تعدیل گردد و به خاطر تاثیر گزارى مساوى جزای نقدی روی فقیر و ثروتمند، به قاضی صلاحیت داده است که با توجه به وضعیت محکوم علیه میزان جزای نقدی را افزایش دهد و در تعیین جزای نقدی اهداف مجازات، تناسب میان جرم و جزا، احوال شخصی، اجتماعی و اقتصادی متهم را در نظر گیرد. در جهت وصول جزای نقدی و حتمیت اجرای آن روش‌های برای پرداخت مانند تقسیط جزای نقدی، شناسای اموال و برداشت جزای نقدی از حساب بانکی و اخذ اجباری جزای نقدی را پیش‌بینی نموده است.



منابع

الف) کتاب‌ها

۱. آخندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، ج ۵، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸
 ۲. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، ج ۳، چاپ شانزدهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۷
 ۳. الهام، غلام حسین، درآمدی بر حقوق جزای عمومی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۷
 ۴. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، جلد اول، چاپ دوم، ۱۳۷۶
 ۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دوره چهل و دو جلدی، جلد ۲۹، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸
 ۶. رنه گارو، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه و تطبیق سید ضیاء الدین نقابت، جلد دوم، ابن سینا، ۱۳۴۴
 ۷. سعید کامل، شرح الاحکام العامة فی قانون العقوبات دارسة مقارنة، عمان، الدار العلمیة الدولیة و دارالثقافة للنشر و التوزیع الطبعة الاولى ۲۰۰۲
 ۸. عوده، عبدالقادر، التشريع الجنایی الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۵
 ۹. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، دوره دو جلدی، جلد دوم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷
 ۱۰. علامه، غلام حیدر، حقوق جزای عمومی افغانستان، چاپ سوم، انتشارات امیری، کابل ۱۳۹۶
 ۱۱. محمود حسنی، نجیب، شرح قانون العقوبات القسم العام، انتشارات دنیا، بی تا
 ۱۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، دوره شش جلدی، جلد چهارم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷
 ۱۳. سیغانی، محمداختر حقوق جزای عمومی، انتشارات مستقبل، ۱۳۹۳ هـ ش
 ۱۴. شامیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، چاپ یازدهم، تهران، مع، ۱۳۸۲
 ۱۵. نجیب حسنی، محمود، شرح قانون العقوبات القسم العام، بیروت - لبنان، الطبعة الثالثة الجديدة، المجلد الثاني، بی تا
- ب) قوانین
۱۶. کود جزای افغانستان، جریده رسمی وزارت عدلیه، ۱۳۹۶
 ۱۷. قانون جزای افغانستان، جریده رسمی وزارت عدلیه، ۱۳۵۵
 ۱۸. قانون اجراء جزایی، جریده رسمی وزارت عدلیه، ۱۳۹۳
 ۱۹. قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۲
 ۲۰. قانون اجراء جزای موقت افغانستان، ۱۳۸۴.

